

مسئولیت مدنی مدافع در دفاع مشروع

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۰

تاریخ تایید: ۱۳۹۸/۹/۵

حمید ابهری*
سمیه احسانی کرسیکالا**

چکیده

یکی از عوامل رافع مسئولیت مدنی و کیفری، دفاع مشروع است. برای تحقق دفاع مشروع، اجتماع شرایطی لازم است که در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته و نبود آنها موجب مسئولیت خواهد بود. فقها مبنای مشروعیت دفاع را اصل احسان، حکم فطرت و بنای عقلا نام می‌برند و حقوق‌دانان مبنای چنین اباحه‌ای را با توجه به اضطراب مدافع در ارتکاب عمل و طبیعی بودن این رفتار در وضعیت حمله، زدوده شدن وصف تقصیر از عمل انجام شده می‌دانند. در دفاع مشروع امکان ورود ضرر به سه شخص متجاوز، مدافع و ثالث وجود دارد که می‌توان آن را در دو فرض دفاع از خود و دفاع از دیگری تصور نمود. در حالت دفاع از خود این امکان وجود دارد که مدافع در دفاع از خود مباشر در ایجاد ضرر به ثالث شده باشد یا سبب آن، در فرض مباشرت ثالث حق رجوع به هریک از مدافع یا مهاجم را با استناد به قواعد اتلاف و تسبیب خواهد داشت اما در صورت تسبیب مدافع در ایجاد ضرر، ثالث حق رجوع به هریک از مدافع یا مهاجم را با استناد به قواعد تسبیب خواهد داشت. در حالت دفاع از دیگری اگر دفاع موجب ضرر مدافع گردد مدافع علاوه بر امکان رجوع به متجاوز از باب تسبیب با استناد به ماده ۳۰۶ قانون مدنی و قاعده احسان حق رجوع به شخص دفاع شونده را خواهد داشت اما اگر چنین دفاعی موجب ضرر ثالث گردد با استناد به قاعده احسان ثالث صرفاً حق رجوع به متجاوز را خواهد داشت و نمی‌تواند به مدافع به عنوان عامل زیان رجوع کند.

واژگان کلیدی: دفاع مشروع، مدافع، ضرر، اتلاف، تسبیب، قاعده احسان.

* استاد گروه حقوق خصوصی دانشگاه مازندران (hamid.abhary@gmail.com).

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران (somauh.ehsani@yahoo.com).

مقدمه

یکی از مواردی که از عامل زیان سلب مسئولیت می‌شود، دفاع مشروع است. این نهاد در قانون مجازات اسلامی از عوامل رافع مسئولیت کیفری دانسته شده است. با وجود سابقه دیرین موضوع در فقه و گفتگوهای مفصلی که در رابطه با تاثیر دفاع مشروع در مسئولیت کیفری ارائه شده، در حوزه مسئولیت مدنی چندان توجهی به این عامل رافع مسئولیت نشده است به گونه‌ای که در رابطه با جبران خسارت در این زمینه ابهامات فراوانی وجود دارد. شرایط تحقق دفاع مشروع و نقش آن در رفع مسئولیت در قانون مجازات اسلامی بیان شده است ولی باتوجه به اینکه این موضوع از موضوعات مشترک بین مسئولیت کیفری و مدنی است، مقررات موجود در قانون مجازات در زمینه مسئولیت مدنی نیز قابل استناد می‌باشد. از این رو در این تحقیق، تلاش شده تا پس از بیان تعریف و شرایط تحقق دفاع مشروع به خصوص باتوجه به نوآوریهای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بیان مبانی مشروعیت آن، به بررسی نقش دفاع مشروع در تحقق مفهوم تقصیر پرداخته و پس از بیان فروض مختلف امکان ورود ضرر در دفاع مشروع به تعیین مسئول نهایی جبران زیان وارده باتوجه به مقررات قانونی و اصول فقهی و حقوقی پردازیم.

۱. مفهوم، شرایط و مبانی دفاع مشروع

یکی از مواردی که در قانون برای اضرار مباح در کنار عناوینی چون اضطرار، اجبار و... برشمرده شده دفاع مشروع است. برای بررسی دفاع مشروع در مسئولیت مدنی باید آن را تعریف نموده و شرایط و مبانی آن را بررسی نمود.

۱-۱. مفهوم و شرایط دفاع مشروع

. در این گفتار نخست دفاع مشروع را تعریف نموده و سپس شرایط آن را بررسی خواهیم کرد.

۱-۱-۱. تعریف دفاع مشروع

در تعریف دفاع مشروع می توان چنین گفت: در موردی که شخصی برای جلوگیری از ضرر نامشروعی که دیگری می خواسته است وارد کند - به خود دفاع کننده یا به دیگری - به او زیان رساند عمل را دفاع مشروع می گویند. دفاع مشروع به عنوان سبب معاف کننده از مسئولیت در غالب نظام های حقوقی دیده می شود و باید آن را اصلی جهانی دانست (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۱۷ / بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۷).

ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی در رابطه با دفاع مشروع چنین آورده است: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با مراعات مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی شود الف) رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ب) خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. ت) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود». بر این اساس در صورتی که شخص برای دفع تجاوز و خطر صورت یافته از طرف مهاجم به او با رعایت شرایط یاد شده در بالا آسیب یا ضرری برساند مسئولیتی در قبال ضرر ایجاد شده نخواهد داشت.

۱-۱-۲. شرایط دفاع مشروع

برای مشروعیت دفاع هریک از تجاوز و دفاع باید دارای شرایطی باشند که در ذیل بدان اشاره می شود.

۱-۱-۲-۱. شرایط تجاوز و تعدی

الف) تجاوز و حمله باید نامشروع باشد و به دلیل اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. ب) تجاوز باید کنونی یا حال باشد یا حداقل احتمال وقوع آن به ظن قوی بسیار نزدیک و قریب الوقوع باشد. پس انتقام جویی یا پیشگیری از مصادیق دفاع مشروع نمی باشد و اگر خطر در آینده باشد و فرصت رجوع به ماموران و نیروهای دولتی باشد، دیگر مجالی برای اجرای حق و دفاع مشروع باقی

نمی‌ماند (ماده ۱۵۶ ق.م.ا.) (کاتوزیان، ۱۳۹۲، صص ۳۹۷ و ۳۱۸ / قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، صص ۱۹۵-۱۹۶ / بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، صص ۲۸۷-۲۸۸ / صفایی، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۵۵۶ / امامی، ۱۳۶۳، ص ۴۰۰ / باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۸۷).

۲-۱-۲. شرایط دفاع

الف) دفاع با رعایت مراتب دفاع انجام گیرد (قاعده الأسهل فالأسهل) و ب) رفتار ارتكابی برای رفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ج - دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد. د - توسل به قوای دولتی ممکن نباشد یا مداخله آنان تأثیری در دفع تجاوز و خطر نداشته باشد.

قبل از پرداختن به ادامه بحث باید مقصود قانونگذار از این شرایط مورد بررسی قرار گیرد به ویژه که برخی از این شرایط از نوآوری های قانون جدید است و در قانون سابق به این شکل مطرح نگشته.

الف) لزوم رعایت مراتب دفاع: با رجوع به منابع فقهی به نظر می‌رسد باید مقصود قانونگذار از این عبارت را لزوم رعایت قاعده الاسهل فالاسهل دانست. مطابق این قاعده مدافع باید از آسان‌ترین درجه‌ای که ظن غالب پیدا می‌کند که می‌تواند با آن از خود دفاع کند شروع و به تدریج در صورت نیاز به سمت شدت عمل پیش برود؛ بنابراین اگر برای مثال بتوان با دست متجاوز را دفع کرد دیگر ضرورتی به استفاده از سلاح باقی نمی‌ماند و در صورت استفاده از سلاح مدافع مسئول بوده و دفاع مشروع محقق نمی‌گردد (خمینی، ۱۳۹۰، ص ۳۷ / نجفی، ۳۷۴، صص ۴۱ و ۶۵۱ / طوسی، ۱۳۵۱، ص ۷۵ / محقق حلّی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۹۰ / خویی، ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۳۴۹ / امینی و دادمرزی، ۱۳۸۸، ص ۶۳۰).

لزوم رعایت این قاعده نه تنها در فقه شیعه بلکه در سایر مذاهب از جمله زیدیه و شافعیه نیز مورد تأکید واقع شده است (عطّار، ۱۳۷۸، ص ۴۹۵).

اما این مطلب بدان معنی نیست که اجرای قاعده به طور مطلق مراد قانونگذار بوده است چراکه در بیان فقها اجرای قاعده الاسهل فالاسهل زمانی لازم است که ترس از غلبه مهاجم نباشد اما اگر بداند که مهاجم غلبه می‌کند رعایت ترتیب لازم نبوده بلکه

مدافع می تواند به هر وسیله ای که بطور قطع دفع تهاجم کند توسل جوید (خمینی، ۱۳۹۰، ص ۳۷ / نجفی، ۱۳۷۴، ج ۴۱، ص ۶۵۱ / سبزوای، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱).

ب) رفتار ارتكابی برای رفع ضرر ضرورت داشته باشد: درباره مفهوم ضرورت بین حقوقدانان اختلاف وجود دارد. برخی مراد از ضرورت را به موقعیتی تفسیر کرده اند که در آن راه دیگری برای رفع خطر جز با توسل به دفاع نباشد؛ بنابراین اگر گریز و دفاع هر دو امکان پذیر باشد شخص می تواند فرار کند یا دفاع را برگزیند. البته فقط در حوزه حقوق عمومی و دفاع جهادی و مسئولیت کیفری ولی در حوزه مسئولیت مدنی این مطلب پذیرفته نیست؛ زیرا اگر برطرف نمودن خطر حتی با فرار هم امکان پذیر باشد دیگر فرصتی برای دفاع باقی نمی ماند و برای تأیید کلام خویش به بندت ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی توسل می جویند «توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود». پس در جایی که فرار و توسل به قوای دولتی برای شخص ممکن باشد دفاع مشروع نخواهد بود (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۹۹).

در مقابل عده ای بر این اعتقادند که ضرورتی ندارد ثابت شود که چاره ای جز دفاع بدان صورت نبوده است کافی است احراز شود که هر انسان متعارف و معقولی نیز به جای مدافع بود چنین واکنشی از خود نشان می داد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۲۰ و ۱۳۷۴، ص ۲۷۴ / عطار، ۱۳۷۸، ص ۴۴۴).

نتیجه مهمی که از این تحلیل گرفته می شود این است که هرگاه فرار شخص از خطر ممکن باشد و با این وصف او از منافع یا جان خویش دفاع کند نباید گفت که مشروع نبوده است. لذا معیار تشخیص ضرورت رفتار یک انسان متعارف در موقعیت خطر است و لزومی به تفکیک بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری برای تشخیص مشروع بودن یا نبودن دفاع وجود ندارد. به نظر می رسد از بین دو نظریه ارائه شده در خصوص مفهوم ضرورت دیدگاه اخیر از وجاهت بیشتری برخوردار باشد چه آنکه مقید کردن نبود مسئولیت مدنی در فرض دفاع مشروع به حالتی که راه گریزی جز دفاع و مقابله وجود ندارد با اطلاق ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی که در رابطه با دفاع مشروع آمده مطابقت بیشتری دارد «کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت

بدنی یا مالی شخص متعدی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد»

تشخیص ضرورت داشتن رفتار ارتكابی برای دفع ضرر با دادگاه می‌باشد که دادگاه نیز این مطلب را با در نظر گرفتن رفتار یک انسان متعارف به عنوان معیار احراز می‌کند (حسینی و رحیمی پور، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱).

ج) دفاع مستند به قرائن معقول با خوف عقلایی باشد: دفاع در صورتی مشروع است که ترس از تهدید معقول باشد و گرنه ترس انسانی کژپندار از رفتار متعارف دیگری دفاع را مشروع نمی‌کند. هرچند که ترس او واقعی و شدید باشد. معیار شناخت ترسی که دفاع را مشروع می‌کند نوعی است نه شخصی و با رفتار معقول و متعارف قابل مقایسه است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۲۲).

د) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

موضوع دفاع مشروع آنچه‌ان که در ماده ۱۵۶ قانون مجازات آمده می‌تواند جان، مال، آبرو، ناموس و آزادی تن خود دفاع‌کننده یا دیگری باشد و در صورتی که دفاع با همه شرایطی که قانون برای مشروع بودن آن در نظر گرفته و برای حمایت جان، مال، آبرو، ناموس و آزادی تن دفاع‌کننده یا دیگری تحقق پیدا کند و در این راستا باعث ایجاد ضرری شود دفاع‌کننده هیچ مسئولیتی در برابر زیان وارده که موضوع بحث می‌باشد نخواهد داشت. اما مبنای این عدم مسئولیت چیست؟ پرسشی است که تلاشی می‌کنیم در حد امکان بدان پاسخ گوئیم.

۱-۲. مبانی مشروعیت دفاع

در این بخش مبانی عدم مسولیت در دفاع مشروع از منظر فقه اسلامی و حقوق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱. مبانی فقهی

الف) قاعده احسان: برخی از فقها مبنای مشروعیت دفاع را قاعده احسان دانسته اند

که بر اساس آن هر گونه مسئولیت و ضمانی از شخص نیکوکار برداشته می‌شود (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۰۷ / حسینی مراغی، ۱۲۹۷، ص ۳۳۱). احسان یعنی انجام دادن کار نیک و محسن کسی است که رفتار نیکو انجام می‌دهد که این رفتار نیکو می‌تواند از طریق جلب منفعت یا دفع ضرر صورت گیرد. به اعتقاد غالب نویسندگان احسان زمانی مصداق پیدا می‌کند که دفع ضرر یا جلب منفعتی با قصد نیکی و به این شرط که منطبق با واقع هم باشد انجام گیرد یعنی عمل هم در حقیقت امر احسان بوده و هم اینکه اقدام‌کننده آن را به قصد احسان انجام داده باشد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، صص ۲۹۷ و ۳۰۰ / محمدی، ۱۳۷۳، ص ۴۳ / ایزدی‌فرد، ۱۳۸۶، ص ۲۳۸ / قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷).

البته برخی نیز با این استدلال که قصد و اعتقاد دخالتی در مفاهیم اشیاء نداشته و این مفاهیم تابع واقعیت خودشان هستند معتقدند همین که رفتار صورت یافته در واقعیت احسان باشد برای شمول قاعده بر آن کافی و اعتقاد به احسان و قصد آن را برای تحقق احسان لازم ندانسته‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۵).

همچنین این گروه معتقدند برای تحقق قاعده، ضروری که بر اثر احسان ایجاد می‌شود باید کمتر از ضرری باشد که در صورت دخالت نکردن وی پیش می‌آید؛ بنابراین اگر ضرر عمل شخصی بیشتر یا مساوی باشد با ضرری که در صورت دخالت نکردن وی ایجاد می‌شود عملاً به چنین شخصی محسن نمی‌گویند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۹).

در ارتباط با مبنابودن قاعده احسان برای دفاع مشروع ایراد کرده‌اند که محسن کسی است که با قصد احسان به دیگری اقدام می‌کند در صورتی که در بحث دفاع از خود، مدافع قصد دفع تجاوز از خود را دارد بنابراین قاعده احسان را نمی‌توان در دفاع از خود جاری دانست (شمس ناتری و عبدالله‌یار، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲).

در پاسخ باید گفت آنچه که در تحقق احسان و شمول قاعده احسان موضوعیت دارد، انجام رفتاری است که عرفاً و منطقاً مصداق رفتار محسنانه باشد اما اینکه این رفتار نسبت به چه کسی انجام شود در تحقق قاعده احسان مداخلیتی ندارد. دفاع از جان، مال، ناموس و آبرو در برابر متجاوز رفتاری نیک و مطابق احسان است. حال

گاهی این رفتار محسنانه نسبت به دیگری انجام می‌شود که در مصداق احسان بودن آن شکی نیست و گاه نسبت به خود شخص که این رفتار نیز محسنانه خواهد بود زیرا آنچه که در شمول مفاد قاعده احسان اهمیت دارد رفتار محسنانه است که در فرض دفاع از خود محقق شده است و این نکته که در بعضی کتب قواعد فقه در تعریف قاعده به احسان به دیگری تصریح شده است نه از باب موضوعیت آن در تحقق احسان بلکه از باب موارد غالبی تحقق قاعده احسان است (سعدی و خدایار، ۱۳۹۰، ص ۹-۱۰).

در تأیید این مطلب می‌توان به نظریات فقها در خصوص دفاع مشروع اشاره نمود برای مثال در فرضی که حیوانی به شخص حمله می‌کند که دفع آن جز با کشتن آن میسر نیست به قاعده احسان استناد کرده و از این باب حکم به عدم مسئولیت او داده‌اند زیرا که او اقدام به امری کرده که بر او واجب بوده و اتیان واجب احسان است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۹).

همچنین در فرضی که اجرای حد یا قصاص منجر به مرگ مجرم گردد برای اثبات عدم ضمان مجری حکم با این توجیه که وی به خاطر اجرای حکم الهی محسن تلقی گشته و از هر گونه مسئولیتی معاف می‌باشد به قاعده احسان استناد جسته‌اند (مرعشی نجفی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۹۳ / موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۹۸).

ب) اقتضای حکم فطرت و عقل: برخی از نویسندگان مبنای مشروعیت دفاع را اقتضای فطرت و عقل دانسته‌اند (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۵۸) به این معنی که فطرت و طبیعت انسان در زمان مواجه شدن با خطر قریب الوقوع حکم به وجوب دفاع می‌کند. منشأ صدور اعتبار و حجیت چنین حکمی را باید فطرت و طبع انسان دانست و نصوص شرعی وارده در این خصوص فقط مویذ این معنا می‌باشند. پس مبنای مشروعیت دفاع و عدم مسئولیت مدافع حکم فطرت و عقل آدمی است که شرع نیز آن را امضاء کرده است (سعدی و خدایار، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

ج) اصل عقلایی: صاحب جواهر در بیان مبنای مشروعیت دفاع آن را مطابق اصل معرفی می‌کنند (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۴۱، ص ۶۵) بدون آنکه مقصود خویش را از اصل بیان کنند برخی از نویسندگان معتقدند مقصود صاحب جواهر از اصل را باید اصل عقلایی دانست (سعدی و خدایار، ۱۳۹۰، ص ۵). با این مقدمه که اصل به اعتبار واقع و جعل‌کننده

آن به سه دسته منقسم می‌شود. اصل عقلی که مستند آن حکم عقل می‌باشد، اصل عقلایی که منشأ حجیت آن بنای عقلا بر عمل به آن به ضمیمه امضاء و تأیید شارع بوده و اصل شرعی که منشأ حجیت آن صرفاً جعل و وضع شارع است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۱۲). چراکه عقلا در همه زمانها و فرهنگها و تمدنها ارتکاب جرم را در مقام دفاع تجویز کرده و آن را مباح دانسته‌اند و همین پذیرفتن مفهوم دفاع در همه مکاتب حقوقی و در همه دوران‌ها خود نشانگر آن است که بنای عقلا بر مشروعیت دفاع است. بدین ترتیب شرع با تجویز و پذیرش دفاع مشروع بنای عقلا را در همه زمان‌ها مورد تأیید قرار داده است (سعدی و خدایار، ۱۳۹۰، ص ۶).

۲-۲-۱. مبانی حقوقی

برای توجیه مبنای عدم مسئولیت در دفاع مشروع نویسندگان حقوقی نظریات گوناگونی ارائه کرده‌اند.

الف) برخی از نویسندگان حقوقی معتقدند: دفع تجاوز تعدی به شمار می‌آید در نتیجه تقصیر شخص مورد تجاوز ثابت می‌شود اما چون این تقصیر در برابر تقصیر شخص متعدی قرار دارد و او آغازکننده تجاوز بوده است لذا از آن کوچک‌تر بوده تحت الشعاع آن قرار می‌گیرد. باید توجه داشت چنین تلاشی وصف تقصیر را از فعل شخص تجاوز شده سلب نمی‌کند متنها چون اقدام مدافع در مقابل اقدام متجاوز قرار می‌گیرد تحت الشعاع آن قرار گرفته و مسئولیت تقصیر صورت یافته از مدافع سلب می‌گردد هرچند که عمل وصف تقصیر را دارا می‌باشد (سنهوری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۴).

ب) در مقابل غالب نویسندگان دفاع را نه تقصیر بلکه عملی مشروع و قانونی دانسته (صفایی، ۱۳۵۱، ص ۵۵۶ / عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۶۲ / قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶ / کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۱۸ / امامی، ۱۳۶۳، ص ۴۰۰ / سنهوری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۴ / باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۸۷ / جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۰۵۶ / طاهری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۶۳) و چنین استدلال می‌کنند: آنچه دفاع را مشروع می‌کند، اضطراب ناشی از اقدامی است که از سوی زیان‌دیده و به ضرر دفاع‌کننده آغاز می‌شود در واقع هنگام دفاع مشروع مرتکب به کاری دست می‌زند که انسان متعارف در همان شرایط می‌کند حقوق این واکنش

طبیعی را با شرایط و نظم خاص مشروع می‌بیند و از آنجایی که یکی از شرایط مطالبه ضرر نامشروع بودن فعل زیانبار است و دفاع قانونی عملی مشروع است بنابراین ضمانی بر آن مقرر نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۱۸/ همو، ۱۳۷۴، ص ۲۷۲/ سنهوری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۲/ قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۰۰/ عطار، ۱۳۷۸، ص ۴۴۴).

باتوجه به آنچه که در مبنای عدم مسئولیت در فقه گفته آمد که همگی بیانگر مشروع بودن عمل زبان بار بوده‌اند و در آن به تقصیر بودن عمل مدافع اشاره‌ای نرفته است لذا نظر دوم وجیه تر می‌باشد به خصوص آنکه با ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی نیز هماهنگ است چراکه این ماده مبنای عدم مسئولیت را متعارف بودن دفاع می‌داند و چیزی که متعارف است تقصیر نیست.

به نظر می‌رسد کلیه شرایطی که قانون در ماده ۱۵۶ برای مشروع بودن دفاع برشمرده را به نوعی می‌توان ناشی از ضابطه متعارف بودن دفاع دانست زیرا در صورت عدم وجود هریک از این شروط عرف فرد مورد تجاوز را مستحق انجام رفتار دفاعی و پرخطر نمی‌بیند.

۲. حدود دفاع و صور وقوع ضرر

حال نوبت به بررسی این مسئله می‌رسد در صورتی که مدافع در برابر تجاوز از رفتار متعارف تعدی نماید، فعل صورت یافته چه وضعیتی خواهد داشت؟

۲-۱. محدودیت‌های دفاع

بدون شک حمایت قانونگذار از مدافع تا زمانی است که او حدود دفاع شرعی را رعایت بکند و از آن فراتر نرود؛ بنابراین اگر کسی از حدود دفاع مشروع تجاوز کند و بیشتر از آن مقدار که برای دفع ضرر ضرورت دارد اقدام نماید از حدود حق خویش خارج شده و بنابراین عمل او در قسمتی که خارج از حدود دفاع صورت یافته نامشروع بوده و سبب رفع مسئولیت از او نخواهد بود در صورتی که این عمل نامشروع موجب ورود زیان به دیگری گردد از آنجایی که تمامی ارکان مطالبه ضرر یعنی ورود زیان، عمل نامشروع، رابطه سببیت میان فعل زیانبار و ورود ضرر وجود دارد زیان دیده

می تواند خسارت خود را در آن قسمت که مربوط به تجاوز از حدود دفاع (عمل نامشروع) می شود مطالبه کند. در حقوق بسیاری از کشورها مسئولیت مدنی تجاوز از دفاع مشروع را حتی اگر زیان تنها به سبب تجاوز از دفاع پدید آمده باشد مسئولیت اضرار کامل نمی دانند با این استدلال که خطای متجاوز از حدود دفاع در برابر خطای متجاوز اولیه قرار می گیرد لذا با توجه به قواعد مربوط به خطای مشترک مسئولیت متجاوز از حدود دفاع تخفیف می یابد و در مقام پرداخت خسارت ملاحظات عادلانه در حق او جاری می شود به این معنی که دادرس با توجه به تقصیر زیان دیده و اوضاع و احوال مسئله میزان خسارت قابل پرداخت را معین می کند چه زیان دیده با خطای خویش به سبب تعدیش نسبت به مدافع، در اضرار خویش شریک بوده است (عطاری، ۱۳۷۸، صص ۴۴۳ و ۴۴۵-۴۹۱/ سنهوری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳).

۱۰۵

حقوق اسلامی / مسئولیت مدنی، مدافع در دفاع مشروع

این راهکار در حقوق ما نیز بی سابقه نیست زیرا علاوه بر امکان بکارگیری قاعده اقدام، ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی که در آن از امکان تخفیف مسئولیت عامل زیان سخن می رود در بند ۳ خود چنین آورده است: «وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد». می توان این فرض را یکی از مصادیق تسهیل در ایجاد زیان دانسته یا حتی با استفاده از قیاس اولویت چنین استدلال کرد که وقتی صرف تسهیل در ایجاد زیان و یا تشدید وضعیت وارد کننده زیان بدون اینکه عمل ایشان در برانگیختن عامل زیان به انجام فعل زیانبار نقشی داشته باشد موجب تخفیف مسئولیت عامل زیان می گردد به طریق اولی در فرضی که عمل وارد کننده زیان منبعت از عمل زیان دیده باشد و اساساً اگر عمل زیان دیده نمی بود عامل زیان نیز اقدام به انجام فعل زیانبار نمی کرد هم موجب تخفیف مسئولیت وارد کننده زیان خواهد بود.

۲-۲. صور وقوع ضرر

در حالت دفاع مشروع امکان ورود ضرر نسبت به سه شخص: متجاوز — مدافع — ثالث وجود دارد.

۱-۲-۲. دفاع از خود

الف) ورود ضرر به مدافع: مدافع در صورت رعایت شرایط دفاع در قبال ضرر ایجاد شده در برابر مهاجم هیچ مسئولیتی ندارد چراکه متجاوز با تجاوزی که انجام داده خود به ضرر خویش اقدام کرده است و به عبارتی «خود موجب زیان خویش را فراهم آورده است» (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۶۲).

اما در صورتی که مدافع در جریان دفاع از خود متحمل ضرر بدنی یا مالی شود، برای مثال در جریان حمله ناگهانی متجاوز مجبور به استفاده از اولین شیء باشد که در دسترس قرار دارد و به این صورت شیئی گرانبها تلف شود متجاوز از باب تسبیب مسئول جبران ضرر وارد به مدافع خواهد بود. امکان مراجعه به متجاوز برای جبران خسارت مدافع در فقه نیز مورد تأکید قرار گرفته است (خمینی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۷).

ب) ورود ضرر به ثالث: این حالت را می‌توان در دو فرض مباشرت و تسبیب دفاع‌کننده بررسی نمود.

۱. مباشرت دفاع‌کننده: در ارتباط با مسئولیت مدافع در فرضی که مباشر اتلاف واقع می‌شود گروهی با استناد به اطلاق ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی و مشروع بودن دفاع و اقوابودن سبب از مباشر نظر به عدم ضمان دفاع‌کننده داده‌اند (نظر دوم دادرسان در نشست قضایی دادگستری آذربایجان شرقی، جلسه ۴۴ مورخ ۱۳۸۰/۲/۸).

اما دقت در موضوع و دلایل ذیل ما را به خلاف این عقیده رهنمون می‌سازد نخست آنکه عمل مدافع در این فرض مصداق اتلاف بوده و به موجب قانون (ماده ۳۲۸ ق.م.) اتلاف‌کننده چه مقصر باشد چه بی‌تقصیر ضامن است. دوم قدر متیقن این است که دفاع‌کننده در برابر زیان‌هایی که به مهاجم وارد می‌کند ضامن نیست و ادله عدم ضمان مدافع به رابطه او و حمله‌کننده ناظر است نه ثالث پس عموم و اطلاق ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی منصرف از این مورد است؛ بنابراین هرچند اقدام متجاوز و ناروایی کار او عدم مسئولیت مدافع را توجیه می‌کند ولی مدافع نسبت به زیان‌های ثالث ضامن است و ادله عدم مسئولیت وی در برابر مدافع حق ثالث را تضييع نمی‌کند سوم آنکه مطابق قاعده لاضرر اصل بر جبران خسارت است لذا مدافع باید خسارت ثالث را جبران نماید لیکن می‌تواند از باب تسبیب به مهاجم رجوع کند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷،

ص ۲۰۴). باید توجه داشت هرگاه تنها راه دفاع این باشد که دفاع کننده ثالثی را بکشد یا مجروح کند و کشته یا مجروح شدن ثالث از لوازم غیر قابل اجتناب دفاع تلقی گردد، برای مثال هرگاه زن بارداری به شخصی حمله کند و او در مقام دفاع مشروع مهاجم را بکشد و جنین نیز کشته شود مهاجم از باب اقوابودن سبب از مباشر مسئول پرداخت دیه خواهد بود (همان، ص ۲۰۵).

آنچه که در بالا در توجیه مراجعه زیان دیده به مدافع مطرح شد نافی امکان رجوع ثالث متضرر به متجاوز نبوده بلکه وی حق رجوع به متعدی را خواهد داشت؛ زیرا اگر عمل وی نبود اساساً ضرری واقع نمی شد؛ بنابراین عرف مهاجم را به عنوان سبب زیان در برابر زیان دیده مسئول می شناسد. ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود» این عقیده را تأیید می کند چراکه در آن قابلیت استناد نتیجه حاصله به رفتار مرتکب را ضروری می داند. ما در این فرض با دو عامل زیان مواجه هستیم و عرف عمل زیانبار را به دو شخص مدافع و مهاجم به عنوان سبب و مباشر مستند می بیند بنابراین زیان دیده می تواند برای جبران خسارت خویش به هریک از این دو مراجعه نماید. اما آیا می توان در اینجا قائل به مسئولیت تضامنی شد؟ مطابق مواد قانون مدنی اصل بر عدم مسئولیت تضامنی و اشتراکی بودن مسئولیت است پس پاسخ این پرسش با توجه به این مطلب منفی است. لیکن شاید بتوان گونه ای دیگر به موضوع نگریست و با توجه به استثنای متعددی که بر قاعده اشتراکی بودن مسئولیت به خصوص در قلمرو مسئولیت مدنی وارد شده (ماده ۳۰۷ تا ۳۲۸ ق.م.، ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و...) گرایش قانونگذار به قبول مسئولیت تضامنی را پذیرفت به علاوه اینکه تعدد و کثرت استثناها ضمن کاستن اعتبار اصل اشتراکی بودن مسئولیت خود قاعده ساز بوده و بنای تضامنی بودن مسئولیت را به ذهن متبادر می سازد به خصوص آنکه تضامنی دانستن مسئولیت با هدف مسئولیت مدنی که بازگرداندن وضع به حالت سابق است از راه تأمین حمایت بیشتر از زیان دیده بیگناه سازگار می باشد. باید متذکر شد بی شک مسئولیت نهایی در فرض مطرح شده به عهده مهاجم خواهد بود به دلیل نامشروع بودن فعل او در برابر مدافع.

۲. تسبیب دفاع کننده: برخی معتقدند هرگاه دفاع کننده در مقام دفاع مشروع سبب ورود خسارت به ثالث را فراهم کند از آنجا که سبب هنگامی ضامن است که تقصیر کرده باشد و دفاع کننده متجاوز نیست، در برابر ثالث مسئولیتی ندارد اما سبب دیگر یعنی مهاجم مسئول است زیرا کار او از روی تجاوز و تقصیر است بنابراین در این فرض گرچه دو سبب برای ورود ضرر به ثالث وجود دارد لیکن چون سبب حمله کننده، مقصر می باشد و سبب دوم یعنی دفاع کننده بی تقصیر است فقط متجاوز ضامن است. به علاوه عرف بین عمل متجاوز و زیان های ثالث رابطه سببیت را محرز و برقرار می داند و زیان ها فقط به متجاوز نسبت داده می شود نه مدافع (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵). این گفته به خصوص در تقسیم نهایی مسئولیت بسیار مناسب است اما اینکه زیان دیده فقط حق رجوع به مهاجم را به دلیل عدم تقصیر مدافع داشته باشد صحیح نمی نماید زیرا اگرچه مدافع در برابر مهاجم مرتکب تقصیری نشده اما عمل او در برابر زیان دیده مصداق تقصیر است و عرف عمل او علت وجود حادثه می داند و ورود ضرر را به او منتسب می بیند. برای مثال در فرضی که کسی برای دفاع از خود در برابر مهاجم و متوقف کردن او سنگی را بر سر راه او می گذارد اما ثالثی با برخورد به این سنگ دچار حادثه می گردد در این جا عرف به تقصیر وارد کننده زیان نظر می دهد و قصد او در انجام عمل را نمی توان مشروع کننده عمل در برابر زیان دیده ثالث دانست از این رو زیان دیده می تواند به وارد کننده زیان به واسطه تقصیر او در برابر خویش مراجعه نماید و در صورت تحقق این فرض وارد کننده زیان نیز حق رجوع به متجاوز را خواهد داشت؛ بنابراین هر دو در برابر زیان دیده مسئول خواهند بود و زیان دیده می تواند برای مطالبه خسارت خویش به هریک از آن ها که مایل باشد مراجعه نماید - البته در صورت پذیرش نظریه مسئولیت تضامنی در مسئولیت مدنی زیان دیده ثالث امکان رجوع به مدافع و مهاجم را به نحو تضامن خواهد داشت - در واقع همه اختلاف دو عقیده ارائه شده بر سر آن است که عرف عقلا ورود زیان را به کدام عامل منتسب می داند. در ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی چنین آمده است «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن ها انجام شود». می بینیم که در این ماده نظریه سبب متعارف

مورد اشاره قرار گرفته و از آنجایی که عرف در فرض مطرح شده عمل را متناسب به هر دو می‌داند باید هر دو را مسئول جبران خسارت دانست.

۲-۲-۲. دفاع از دیگری

دیگری در عبارت قانونگذار می‌تواند شخص حقیقی، حقوقی اعم از شخص حقوقی خصوصی یا عمومی باشد به ویژه امت و جامعه اسلامی (خمینی، ۱۳۹۰، ص ۳۵ / قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶).

مطابق تبصره ۱ ماده ۵۶ ق.م.ا. دفاع از دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسئولیت دفاع از وی بر عهده دفاع کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

در دفاع از دیگری علاوه بر امکان سه فرض ورود ضرر به متجاوز، دفاع کننده یا ثالث می‌توان فرض چهارمی را مطرح نمود و آن اینکه اقدام دفاع کننده موجب ایجاد زیان به کسی که از او دفاع شده بشود.

در حالت ورود ضرر به متجاوز مدافع مسئولیتی ندارد. اما اگر ضرر به خود دفاع کننده وارد شود بی شک مدافع امکان مراجعه به متجاوز را از باب تسبیب برای جبران خسارت خواهد داشت. اما علاوه بر این او حق مراجعه به کسی که او دفاع شده را بر طبق قواعد حاکم بر اداره اموال غیر و استناد به ماده ۳۰۶ ق.م. که مبنای آن احسان و کمک به دیگری است خواهد داشت به ویژه آنکه مورد ماده ۳۰۶ فقط اداره امور مالی نبوده و در امور غیر مالی نیز قابل اجراست (کاتوزیان ۱۳۸۷، ص ۲۵۷ و ۱۳۸۸، ص ۲۹۳-۲۹۴).

اما اگر دفاع مدافع موجب بروز ضرر نسبت به کسی که از او دفاع می‌شود بشود، در این جا دفاع کننده هیچ مسئولیتی در قبال فرد دفاع شونده به استناد قاعده احسان و ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی نخواهد داشت ولو اینکه عمل او مؤثر واقع نشود: «هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی ضامن نیست».

در فرضی که اقدام مدافع باعث ورود ضرر به ثالث شود در این حالت بر خلاف آنچه که راجع به اضرار به غیر در دفاع از خود گفته شد به نظر می‌رسد که زیان‌دیده حق رجوع به مدافع را نداشته باشد زیرا «کسی را که به قصد نیکی کردن و پیشگیری از ضرر دیگران یا جامعه اقدام می‌کند نباید ضامن شمرد و قانون باید از کسانی که در جامعه احساسی مسئولیت می‌کنند و سرنوشت خود را با دیگران مربوط می‌بینند حمایت کند» (همو، ۱۳۷۴، ص ۲۸۵). مفاد ماده ۵۱۰ ق.م.ا. نیز این نظر را تأیید می‌کند؛ بنابراین زیان‌دیده می‌تواند به مهاجم از باب تسبیب در ورود ضرر و همچنین کسی که تلف مال دیگری برای حفظ مال یا جان او انجام شده است، به عنوان استفاده‌کننده بدون جهت مراجعه نماید (همان، ص ۲۸۴).

سؤال دیگری که در بحث دفاع مشروع به ذهن می‌آید اینکه: باتوجه به اینکه قانون مجازات اسلامی دفاع را به عنوان یک حق معرفی کرده آیا باید در فرضی که امکان دفاع برای شخص وجود داشته و با این وجود از این کار خودداری نموده قائل به جبران تمام خسارت بود؟ برای مثال در جایی که متجاوز اقدام به تخریب اموال دیگری می‌کند و او با وجود قدرت بر دفع کاری نمی‌کند آیا متجاوز مسئول پرداخت کل خسارت است؟ واضح است که هرگاه زیان‌دیده خود موجب ورود ضرر گردد نمی‌تواند برای پرداخت آن به دیگری مراجعه کند در جایی نیز که زیان‌دیده با وجود امکان دفع ضرر یا جلوگیری از بیشتر شدن آن از این کار خودداری می‌کند عرف تمام ضرر را منتسب به واردکننده ندانسته و این امر مستلزم آن است که زیان‌دیده از جبران خساراتی که مسبب آن است محروم گردد (داراب‌پور، ۱۳۷۷، ص ۱۲۱ و ۱۳۸۷، ص ۲۲۱). در فرض ما نیز اگرچه قانون اشاره‌ای به لزوم دفاع نکرده اما می‌توان گفت باتوجه به اینکه عرف عدم اقدام جهت مقابله یا کاهش خسارت را ناشایست می‌داند زیان‌دیده‌ای که در مقابله با خسارت نسامح می‌کند به زیان خویش اقدام کرده است بنابراین با استناد بند نخست ماده ۴ ق.م.م. مورد یکی از موارد تخفیف مسئولیت عامل زیان می‌باشد. به خصوص که در فقه نیز در موارد بسیاری از وجوب دفاع سخن رفته است (خمینی، ۱۳۹۰، ص ۳۷/ نجفی، ۱۳۷۴، ج ۴۱، ص ۶۵۱/ شهید اول، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۵۴/ امینی و دادمرزی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۴/ شهید ثانی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۵). و این خود از جهتی موید لزوم مقابله با

خسارت در صورت امکان می‌باشد.

نتیجه

در ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی دفاع مشروع یکی از عوامل رافع مسئولیت عامل ورود زیان شناخته شده است. در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی نیز دفاع مشروع با وجود شرایطی از عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌باشد. همچنین در منابع فقهی دفاع مشروع با اجتماع شرایطی از اسباب رافع مسئولیت مدنی و کیفری دانسته شده است.

در حالی که قانون مسئولیت مدنی صرفاً به تناسب دفاع با خسارات وارد شده اشاره کرده است، قانون مجازات اسلامی برای رفع مسئولیت کیفری از مدافع شرایطی را لازم شناخته است که عبارتند از: الف) تجاوز و حمله نامشروع باشد ب) تجاوز حال بوده یا احتمال وقوع آن به ظن قوی بسیار نزدیک باشد ج) رعایت مراتب دفاع (قاعده الأسهل فالأسهل) د) رفتار ارتكابی برای رفع تجاوز ضرورت داشته باشد ه) دفاع مستند به قرائن معقول بوده ز) توسل به قوای دولتی ممکن نباشد.

در منابع فقهی مبنای رفع مسئولیت از مدافع مشروع قاعده احسان، اقتضای حکم فطرت و عقل و بنای عقلا است و در بیان حقوقدانان زدوده شدن وصف تقصیر از عمل ارتكابی را باید مبنای عدم مسئولیت مدافع دانست زیرا در هنگام دفاع مرتکب به کاری دست می‌زند که هر انسان متعارفی در آن شرایط انجام می‌داد.

در جهت منطبق کردن ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی با شرایط و اوضاع و احوال روز جامعه و مبانی فقهی و یکنواخت کردن مقررات موجود درباره دفاع مشروع به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت لازم است که این ماده از قانون مسئولیت مدنی اصلاح گردد. در این راستا متن پیشنهادی به شرح زیر می‌باشد: «هر شخصی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی شود مسول نیست مشروط بر این که: الف) تعدی نامشروع باشد ب) تعدی حال بوده یا احتمال وقوع آن به ظن قوی بسیار نزدیک باشد ج) رفتار ارتكابی برای رفع تعدی ضرورت داشته باشد د) دفاع مستند به قرائن معقول بوده ه) توسل به قوای دولتی ممکن نباشد».

منابع

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲. امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی؛ ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۳. امینی، علیرضا و سید مهدی دادمرزی؛ فقه استدلالی؛ چ ۲، تهران: نشر طه، ۱۳۸۸.
۴. ایزدی فرد، علی اکبر؛ قواعد فقه؛ بابل: انتشارات مبعث، ۱۳۸۶.
۵. باریکلو، علیرضا؛ مسئولیت مدنی؛ چ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۶. بهرامی احمدی، حمید؛ مسئولیت مدنی؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت؛ ج ۱، تهران: انتشارات استاد، ۱۳۷۳.
۸. جمعی از پژوهشگران (زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی)؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی در مذهب فقه اهل البیت، ۱۴۲۶ق.
۹. حسینی مراغی، میر عبدالفتاح؛ عناوین الأصول؛ تبریز: چاپ سنگی، ۱۲۹۷ ه. ق.
۱۰. حسینی، محمد و ایمان رحیمی پور؛ «بررسی تطبیقی آثار شرط تناسب و عدم رعایت آن در دفاع مشروع»، مجله نامه مفید؛ ش ۹۴، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۳۹-۱۱۹.
۱۱. حسینی نژاد، حسینقلی؛ مسئولیت مدنی؛ چ ۳، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۹.
۱۲. حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن یحیی بن سعید؛ شرائع الإسلام؛ ج ۴، بیروت: طبع بموافقة مؤسسة الوفا، ۱۴۰۹ق.
۱۳. خمینی، سید روح الله؛ مباحث حقوقی تحریر الوسیله؛ ترجمه سید محمد موسوی بجنوردی و سید عباس حسینی نیک؛ تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۹۰.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم؛ مبانی تکملة المنهاج؛ ج ۱، نجف: مطبعة الآداب، ۱۹۷۶م.

۱۵. داراب‌پور، مهرباب؛ قاعده مقابله با خسارت؛ تهران: گنج دانش، ۱۳۷۷.
۱۶. داراب‌پور، مهرباب؛ مسئولیت‌های خارج از قرارداد؛ تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
۱۷. ساریخانی، عادل و علی درودی؛ «بررسی فقهی شرط تناسب دفاع و تعدی در دفاع مشروع»، نشریه حقوق اسلامی؛ ش ۳۰، پاییز ۱۳۹۱، ص ۲۹-۵۸.
۱۸. سبزواری، سیدعبدالأعلی؛ مهذب الکلام فی بیان الحلال والحرام؛ ج ۲۸، قم: انتشارات فجر ایمان، ۱۳۸۳.
۱۹. سعدی، حسینعلی و حسین خدایار؛ «تحلیل فقهی مبانی مشروعیت دفاع»، پژوهشنامه حقوق اسلامی؛ ش ۳۳، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۰۳-۱۲۸.
۲۰. سنه‌وری، عبدالرزاق؛ حقوق تعهدات؛ ترجمه مهدی دادم‌رزی و محمدحسین دانش‌کیا؛ ج ۲، چ ۲، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۴.
۲۱. شمس‌ناتری، محمدابراهیم و سعید عبدالله‌یار؛ «دفاع مشروع و مبانی مشروعیت آن»، نشریه مطالعات حقوقی؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۵۱-۱۷۶.
۲۲. صفایی، سیدحسین؛ حقوق مدنی؛ ج ۲، چ ۴، تهران: مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱.
۲۳. طاهری، حبیب‌الله؛ حقوق مدنی؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمدبن‌حسن؛ الخلاف؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۵. طوسی، ابوجعفر محمدبن‌حسن؛ المبسوط فی فقه الإمامیه؛ ج ۷، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۱.
۲۶. عاملی جبلی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن‌علی بن‌احمد؛ مسالک‌الأفهام؛ ج ۱۵، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۲۷. عطار، داوود؛ دفاع مشروع و تجاوز از حدود آن؛ ترجمه بهمن رازانی؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۲۸. عمید زنجانی، عباسعلی؛ درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی؛ ج ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲.

۲۹. قاسم‌زاده، سیدمرتضی؛ مسئولیت مدنی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۳۰. کاتوزیان، ناصر؛ الزامات خارج از قرارداد قواعد عمومی؛ ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
۳۱. کاتوزیان، ناصر؛ ضمان قهری مسئولیت مدنی؛ چ ۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۳۲. کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی؛ چ ۸، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۳۳. کاتوزیان، ناصر؛ وقایع حقوقی؛ چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
۳۴. محقق داماد، سیدمصطفی؛ قواعد فقه؛ چ ۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۳۵. محمدی، ابوالحسن؛ قواعد فقه؛ چ ۲، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
۳۶. مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن؛ دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام؛ تهران: نشر میزان، ۱۴۷۲ق.
۳۷. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین؛ قصاص علی ضوء القرآن والسنة (تقریرات درس قصاص)؛ تقریر سیدعادل علوی؛ چ ۲، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، بی تا.
۳۸. مکی عاملی (شهید اول)، شمس‌الدین محمد؛ المعنة الدمشقية؛ ترجمه علی شیروانی؛ ج ۲، چ ۳، قم: انتشارات دارالفکر، ۱۳۸۵.
۳۹. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ قواعد فقهیه؛ تهران: مؤسسه عروج، ۱۴۱۰ق.
۴۰. موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا؛ الدر المنضود فی أحكام الحدود؛ تقریر علی جهرمی؛ قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ق.
۴۱. نجفی، سیدمحمدحسن؛ جواهرالکلام فی شرائع الإسلام؛ ج ۱، چ ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.